

حقوق الناس

دکتر سید محمد بنی هاشمی



سرشناسه: بنی هاشمی، سید محمد، ۱۳۳۹
عنوان و نام پدیدآور: حق الناس / سید محمد بنی هاشمی
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص
شابک: ۵-۶۵۲-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸-۹۶۴
وضعیت فهرست نویسی: فیا.
موضوع: حقوق بشر، جنبه های مذهبی، اسلام.
رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ح ۷ ۹۳ ب / ۱ / ۲۳۰ BP
رده بندی دیویی: ۴۸۳۴ / ۳۹۷
شماره ی کتابشناسی ملی: ۵۲۸۴۸۵۴



شابک ۵-۶۵۲-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۶۵۲-۵۳۹-۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۶۵۲-۵ ISBN 978-964-539-652-5

حق الناس

سید محمد بنی هاشمی
ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر
نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۷
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
صفحه آرای: مشکاة
چاپ: بهمن



اینستاگرام:
monir_publisher

تهران، خیابان مجاهدین، چهارراه ایسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹
تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (۶ خط)

پست الکترونیک:
info@monir.com



کانال تلگرام:
telegram.me/monirpub



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



<https://entezarschool.ir>



@entezar_school

تقدیم بہ
ذخست کرامی امیر المؤمنین علیہ السلام
وحضرت صدیقہ می طاہرہ علیہا السلام
جناب ام کلثوم علیہا السلام
بہ نیابت از
خادمہ می خانہ می ملکوتی مادر سادات
جناب فاضلہ رحما اللہ



<https://entezarschool.ir>



@entezar_school

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار
۱۵	مجلس اول
۱۵	مقدمه
۱۶	انواع گناهان
۱۷	گناهان بخشودنی
۱۸	بلا و مصیبت دنیا: عقوبت گناهان
۲۱	مصائب دنیوی معصومین <small>علیهم السلام</small> : اسباب ترفیع مقام
۲۱	گناهان نابخشودنی
۲۲	شایستگی ترس از گناه
۲۶	ذکر فضائل حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small>
۲۶	وجه تسمیه‌ی حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>
۲۹	ذکر مصیبت حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>
۳۳	مجلس دوم
۳۳	مقدمه



۳۴ مفهوم ظلم و صاحبان اصلی حق
۳۶ دیگر صاحبان حق
۳۷ حق ظالم بر مظلوم
۳۹ انواع ظلم در کلام مولا <small>علیه السلام</small>
۴۰ شرک: ظلم غیرقابل بخشش
۴۱ اعتراف به بندگی، حتی در حین معصیت
۴۲ ظلم بخشودنی
۴۴ گناه بخشوده و عقوبت دنیوی
۴۵ اهمّیت و جایگاه توبه
۴۷ البلاء لِلْوَلاء
۴۹ ذکر مصیبت حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>
۵۳ مجلس سوم
۵۳ مقدّمه
۵۵ گناه نابخشودنی
۵۶ معنای «كُفَّ بِكُفِّ»
۵۸ حقّ النَّاس و حکم وضعی ضمان
۵۹ حقّ النَّاس در دستگاه عدل الهی
۶۰ مصادیق کلی حقّ النَّاس
۶۱ حقّ فقیر بر غنی
۶۳ تهمت، سوءظن و استخفاف مؤمن
۶۵ رعایت آبروی شاگرد توسط معلّم
۶۸ ذکر مصیبت حضرت صدّیقه <small>علیها السلام</small>
۷۱ مجلس چهارم
۷۱ مقدّمه

۷۲	شرایط پذیرش توبه
۷۴	حَقَّ النَّاسِ: رها نمی‌شود
۷۵	کوچک شمردن حَقَّ النَّاسِ
۷۶	رواج و عادی شدن غیبت
۷۸	اشاعه‌ی فحشاء
۷۹	فاصله‌ی بین حَقَّ و باطل
۸۱	غیبت: در عرض ناسزا به امام <small>علیه السلام</small>
۸۲	عکس‌العمل معصومین <small>علیهم السلام</small> در برابر غیبت
۸۴	غیبت: عامل خروج از ولایت خدا
۸۶	ذکر مصیبت صدیقه‌ی طاهره <small>علیها السلام</small>
۹۱	مجلس پنجم
۹۱	مقدمه
۹۳	مصادیقی از حَقَّ النَّاسِ
۹۴	لزوم پرهیز از قضاوت‌های استنباطی!
۹۵	عذرتراشی برای عیب برادر مؤمن
۹۶	داستان حضرت یعقوب <small>علیه السلام</small>
۹۸	سید حاجت‌مند و آیه‌ی الله وحید خراسانی
۹۹	حساسیت معصومین <small>علیهم السلام</small> نسبت به اعمال شیعیان
۱۰۲	داستان مفضل بن عمر
۱۰۴	خوف و رجاء برای آمرزش گناه
۱۰۷	داستان شیخ حسن کاظمینی
۱۱۰	ذکر مصیبت حضرت صدیقه‌ی طاهره <small>علیها السلام</small>
۱۱۵	مجلس ششم
۱۱۵	مقدمه

۱۱۶	ردّ مظالم
۱۱۷	حقّ الناس در پذیرش مسؤولیت‌ها
۱۱۹	حقّ الناس در امور تربیتی
۱۲۰	حقّ الناس در مورد زبردستان
۱۲۱	حقّ الناس در سخنرانی
۱۲۲	حقّ الناس در حفظ آبروی دیگران
۱۲۲	بهترین ورع: اجتناب از محارم
۱۲۳	عاقبت غیبت‌کننده
۱۲۳	غیبت: عمل سفیهانه
۱۲۴	حقّ الناس: اهانت نکردن به مردم
۱۲۵	حقّ الناس در قیامت
۱۲۸	ذکر مصیبت مادر سادات <small>علیهم‌السلام</small>
۱۳۱	مجلس هفتم
۱۳۱	مروری بر بحث‌های پیشین
۱۳۲	پرهیز از انتشار برداشت‌های شخصی در مورد دیگران
۱۳۵	سوءظن در کلام معصوم <small>علیهم‌السلام</small>
۱۳۶	عاقبت تزییع حقّ دیگران در قیامت
۱۳۸	دعای امام <small>علیهم‌السلام</small> در حقّ امت
۱۳۹	فدائیان امام <small>علیهم‌السلام</small>
۱۴۰	مبادله‌ی حسنات و سیئات
۱۴۱	اشاعه‌ی فحشاء
۱۴۴	ریزینی دستگاه عدل الهی
۱۴۵	ذکر مصیبت
۱۵۱	فهرست منابع

پیشگفتار

خدای متعال می فرماید:

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ^۱

همانا پروردگارت در کمین گاه است.

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در بیان «مرصاد» فرمودند:

الْمِرْصَادُ قَنْطَرَةٌ عَلَى الصِّرَاطِ لَا يَجُوزُهَا عَبْدٌ بِمَظْلَمَةٍ^۲.

مرصاد پلی بر روی صراط است که هیچ بنده‌ای با حقی که از

دیگران بر گردشش است، از آن عبور نمی‌کند.

خداوند متعال که پروردگار عالمیان و صاحب اختیار مطلق مخلوقات است، برای بندگانش حقوقی بر گردن یکدیگر قرار داده که همگان باید حرمت آن را حفظ کنند. اما از آن جا که دنیا دار امتحان و تکلیف است نه دار مجازات و مکافات، بسیاری از حقوق بندگان خدا در این جا پایمال می‌گردد و امکان احقاق حقّ مظلومان وجود ندارد.

۱. الفجر / ۱۴.

۲. بحار الانوار / ۸ / ۶۴.



بیشتر ستم‌دیدگان توانایی ستاندن حقوق پایمال شده‌ی خود را از ستمکاران ندارند.

در اسلام به سه قلمرو از حقوق انسان‌ها، اهمّیت ویژه داده شده که عبارتند از: اموال، نفوس (جان‌ها) و أعراض (آبروها). تجاوز به این حقوق، گناه سنگین شمرده شده و خداوند در دفاع از بندگان مظلومش، بسیار سخت‌گیری خواهد نمود. مظلومانی که در دنیا قدرت دفاع از خود در برابر ظالمان ندارند، باید مطمئن باشند که پروردگارشان در احقاق حقوق آن‌ها ذرّه‌ای مسامحه نخواهد کرد و تا وقتی خود آن‌ها رضایت ندهند، خدا از ظالمان نخواهد گذشت.

قرآن کریم که جایگاه خداوند را در کمین‌گاه (مرصاد) دانسته است، به همین عنایت الهی نسبت به مظلومان اشاره دارد به گونه‌ای که هیچ ظالمی با وجود حقّی که از دیگری بر عهده دارد، اجازه‌ی عبور از صراط و دخول در بهشت را پیدا نمی‌کند. با همه‌ی اهمّیتی که در اسلام به رعایت «حقّ الناس» داده شده، متأسفانه شاهد بی‌مبالاتی فراوانی در این امر از جانب مؤمنان و افراد متدین هستیم. کسانی هم که تا حدودی اهل رعایت «حقّ الناس» هستند، بیشتر در مورد اموال دیگران چنین توجّهی دارند. در مورد «نفوس» در مقایسه با اموال، این توجّه کمتر صورت می‌گیرد و با کمال تأسف می‌بینیم که در خصوص «أعراض» یعنی آبروی افراد، «حقّ الناس» یا اصلاً رعایت نمی‌شود و یا افراد بسیار معدودی اهل رعایت آن هستند.

کتاب حاضر، بیشتر برای توجّه دادن به همین قلمرو (آبروی مؤمنان) از حقّ الناس، آماده شده تا ان شاء الله قدمی مؤثر در جهت رعایت بیشتر در این حوزه باشد. محتوای کتاب در زمستان سال ۱۳۹۷



به مناسبت ایام فاطمیّه‌ی اوّل و دوم سال ۱۴۳۹ هجری قمری در مجالس عزای حضرت صدّیقه‌ی طاهره علیها السلام ایراد شده و اکنون با همت برخی از دوستان آن یگانه‌ی هستی در قالب هفت مجلس ارائه می‌گردد. امید آن‌که دستگیری مادرمان شامل حال همه‌ی عزیزان خواننده بشود و مطالعه‌ی این کتاب همه‌ی ما را با تکالیف الهی خود بیش از گذشته آشنا نماید.

سید محمد بنی‌هاشمی

رمضان المبارک ۱۴۳۹

خرداد ماه ۱۳۹۷



<https://entezarschool.ir>



@entezar_school

مجلس اول

مقدمه

از امام حسن عسکری علیه السلام صلواتی با مضامین بسیار بلند برای حضرت زهرا علیها السلام نقل شده که خواندن آن در این ایام خالی از لطف نیست. صلوات به این شرح است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّديقَةِ فَاطِمَةَ الزَّهراءِ الرِّكِيَّةِ حَبِيبَةِ نَبِيِّكَ
وَ أُمِّ أَحِبَّائِكَ وَ أَصْفِياءِكَ الَّتِي انْتَجَبْتَهَا وَ فَضَّلْتَهَا وَ اخْتَرْتَهَا
عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَ
اسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا اللَّهُمَّ وَ كُنِ النَّائِرَ لَهَا بِدَمِ أولادِهَا اللَّهُمَّ وَ
كَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ أُمَّةِ الْهُدَى وَ حَلِيلَةَ صَاحِبِ اللِّوَاءِ الْكَرِيمَةِ
عِنْدَ الْمَلِ الْأَعْلَى فَصَلِّ عَلَيْهَا وَ عَلَى أُمَّهَا خَدِيجَةَ الْكُبْرَى
صَلَاةً تُكْرِمُ بِهَا وَجْهَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ تُقَرُّ بِهَا أَعْيُنُ ذُرِّيَّتِهَا وَ
أَبْلِغُهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَ السَّلَامِ.^۱

۱. بحار الأنوار / ۹۱ / ۷۴ به نقل از جمال الأسبوع.



پروردگارا! بر [حضرت] صدیقه، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام، آن [بانوی] پاک، محبوبه‌ی پیامبرت و مادر محبوبان و برگزیدگانت درود فرست. آن کسی که او را بر زنان عالمیان برگزیدی و برتری دادی و انتخاب کردی. پروردگارا! از هر کس که به او ظلم نمود و حقش را سبک و خوار شمرد، برای او خواهان [حقش] باش. خدایا! خون‌خواه خون فرزندانش باش. خداوندا! چنان‌که او را مادرامامان هدایت و همسر صاحب پرچم [اسلام] (امیرالمؤمنین علیه السلام) و گرمی داشته نزد ملاً اعلی قرار دادی، پس بر او و بر مادرش خدیجه‌ی کبری علیها السلام درود فرست، درودی که بدان، رخسار حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را گرمی بداری و چشمان فرزندان وی (فاطمه علیها السلام) را روشن گردانی و در این ساعت از جانب من، برترین درود و سلام را به ایشان برسان!

خدا را شاکریم که در ایام فاطمیّه‌ی دیگری به ما توفیق داد تا بر سر سفره‌ی حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام بنشینیم و از احادیث اهل بیت علیهم السلام بهره ببریم. شکرگزاری و قدردانی این نعمت الهی بر همه‌ی ما واجب است.

انواع گناهان

برای بحث این شب‌ها، حدیث جالبی را از وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیه السلام در نظر گرفته‌ام. در این حدیث کوتاه، معارف بسیار بلندی نهفته است. امیدواریم بتوانیم با بضاعت مزجاتمان، در حدّ بسیار کمی حقّ آن را ادا کنیم.

حدیث در مورد انواع گناهان است. نقل شده است که روزی

امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد کوفه بر بالای منبر رفته و پس از حمد و ثنای خدای متعال چنین فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الذُّنُوبَ ثَلَاثَةٌ... فَذَنْبٌ مَعْفُورٌ وَ ذَنْبٌ غَيْرُ مَعْفُورٍ وَ ذَنْبٌ نَرْجُو لِصَاحِبِهِ وَ نَخَافُ عَلَيْهِ^۱

ای مردم! همانا گناهان بر سه قسم هستند... گناهی که آمرزیده می‌شود، گناهی که آمرزیده نمی‌شود و گناهی که برای صاحب آن امیدواریم و بر وی بیم داریم.

در زبان روایات، گناهان تقسیمات مختلفی دارند. این دسته‌بندی که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند، از جهت آمرزش و عدم آمرزش گناهان است.

اکنون باید دید: «گناهانی که آمرزیده می‌شود چیست؟ گناهانی که آمرزیده نمی‌شود کدام است؟ چه گناهانی هستند که انسان برای بخشایش آن‌ها بین خوف و رجاء است؟»

گناهان بخشودنی

بعد از فرمایش امام علیه السلام، مردم از ایشان خواستند تا مقصود خود را بیان نموده و آن را تفسیر کنند. امام علیه السلام در تبیین فرمایش خود چنین ادامه دادند:

أَمَّا الذَّنْبُ الْمَعْفُورُ فَعَبْدٌ عَاقَبَهُ اللَّهُ عَلَى ذَنْبِهِ فِي الدُّنْيَا فَاللَّهُ أَحْلَمُ وَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يُعَاقَبَ عَبْدَهُ مَرَّتَيْنِ^۲

۱. الکافی / ۲ / ۴۴۳.

۲. الکافی / ۲ / ۴۴۳.



اما آن گناهی که بخشوده می‌شود، پس [انجام دهنده‌ی آن] بنده‌ای است که خدا او را به خاطر گناهش، در دنیا عقوبت کرده است. پس خداوند، شکیباتر و بزرگوarter از آن است که بنده‌ی خود را دو بار عقوبت کند.

این‌که خدای متعال بندگان خود را به خاطر گناهانشان عقوبت می‌کند، طبیعتاً برای ما ناراحت‌کننده است. اگر به اختیار خود ما باشد، از خدا می‌خواهیم که بابت هیچ گناهی ما را عقوبت نکند. اما بالأخره گناهی که انسان مرتکب می‌شود، همواره باری برگردن اوست. یا باید خدا آن گناه را ببخشد و یا بابت آن، انسان را عقوبت نماید. حال، این عقوبت ممکن است در دنیا، برزخ و یا قیامت باشد. در نظام الهی، امکان ندارد که انسان گناهی مرتکب شود و این گناه در هیچ موقفی مورد محاسبه قرار نگیرد. گناهی که من انجام داده‌ام همیشه برگردن من است و به اختیار خودم نمی‌توانم از آن خلاصی یابم.

امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد نوع اول گناهان می‌فرماید: «خدا حلیم‌تر و کریم‌تر از آن است که بنده‌اش را برای یک گناه، دو بار تنبیه کند.» یعنی اگر خداوند انسان را از بابت گناهی در دنیا عقوبت کند، دیگر آن گناه، پاک می‌شود و بنده‌ی گناهکار، از آلودگی آن، نجات می‌یابد.

بلا و مصیبت دنیا: عقوبت گناهان

در این جا سؤال دیگری مطرح می‌شود: «از کجا بفهمیم که برای یک گناه، عقوبت شده‌ایم و به قول معروف چوب آن را خورده‌ایم؟» پاسخ این است که انسان هیچ‌گاه نمی‌فهمد جزای گناهش را دیده‌است یا نه.



اما مطابق روایات، بلاهایی که به ما می‌رسد، نتیجه‌ی کرده‌های ما می‌باشد. قرآن کریم نیز نسبت به این مسأله تصریح دارد. به عنوان نمونه در سوره‌ی مبارکه‌ی شوری چنین آمده است:

﴿ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَغْفُوا عَنْكُمْ

كَثِيرًا ۱﴾

هر مصیبتی به شما می‌رسد، به خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید، و [خداوند] بسیاری را می‌بخشاید.

امام صادق علیه السلام ذیل این آیه‌ی شریفه می‌فرماید:

مَا يَغْفُو اللَّهُ أَكْثَرَ مِمَّا يُؤْخَذُ بِهِ. ۲

آن چه خداوند می‌آمزد، بیشتر از چیزی است که [نسبت] به آن مؤاخذه می‌نماید.

به عنوان مثال ممکن است خداوند متعال از ده گناهی که بنده‌اش مرتکب می‌شود، نه گناه را ببخشد و تنها بابت یکی از آنها او را عقوبت کند. اما همان یکی هم بسیار زیاد و سخت است.

حال، این بلاها چیست و خدا چطور انسان را عقوبت می‌کند؟ امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

فَمَا مِنْ بَلِيَّةٍ وَلَا نَقْصٍ رِزْقٍ إِلَّا بِذَنْبٍ حَتَّىٰ الْخَدَشِ وَ

النَّكْبَةِ وَ الْمُصِيبَةِ ۳

۱. الشوری / ۳۰.

۲. الکافی / ۲ / ۲۶۹.

۳. بحار الأنوار / ۷۰ / ۳۶۲ به نقل از التمهیص.

هیچ بلا و کمبودی در روزی نیست مگر به خاطر گناهی، حتی خراش [بدن] و پیشامد ناگوار [یا لغزش پا] و مصیبت. امیرالمؤمنین علیه السلام در ادامه به همان آیهی سی‌ام سوره‌ی شوری استناد می‌فرماید که:

﴿ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ ﴾

امام صادق علیه السلام در ذیل همین آیه‌ی شریفه می‌فرماید:

أَمَّا إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عِرْقٍ يَضْرِبُ وَلَا نَكْبَةٍ وَلَا صُدَاعٍ وَلَا مَرَضٍ إِلَّا بِذَنْبٍ^۱

همانا هیچ رگی نیست که تپش کند و پیش آمدی ناگوار [یا لغزش پای] و سردرد و مرضی نیست مگر به خاطر گناهی.

مثال دیگر برای عقوبت دنیوی این است که باران رحمت خدا بر ما نازل نشود. طبق روایات گناهان ما باعث می‌شوند که باران حبس شود^۲ و رزق ما ناقص گردد. می‌دانید که منشأ بسیاری از رزق‌ها و رحمت‌ها باران است. این‌ها آثاری است که ما به آن‌ها معتقد هستیم. مثلاً گاهی هنگام راه رفتن، دست انسان به دیوار می‌خورد و خراشیده می‌شود؛ یا در مسیری که صاف است و لغزنده هم نیست، پای انسان بی‌دلیل می‌لغزد و پیچ می‌خورد. یا گاهی رگ پلک چشم می‌تپد و ضربان دارد و مدتی انسان را آزار می‌دهد. یا مصیبتی بر خود یا عزیزانمان وارد

۱. الکافی / ۲ / ۲۶۹.

۲. به عنوان نمونه: تفسیر القمی / ۲ / ۱۶۰.

می‌شود و غمی بر دل‌مان می‌آید. مافکر می‌کنیم که این اتفاقات تصادفی است، در حالی که عقوبت گناهانمان است.

البته با توجه به لحن آیه و روایات که هر مصیبتی را به خاطر گناهان ما می‌دانند، باید در معنای گناه (ذنب) توسعه قائل شویم. یعنی علاوه بر انجام محرّمات، هرگونه غفلت و بی‌توجهی نیز گناهی محسوب می‌شود که ممکن است عقوبت دنیوی داشته باشد. به خصوص در رتبه‌های بالای ایمان نسبت به اعمال فرد، حسّاسیت بیشتری وجود دارد که نمونه‌هایی از آن را در ادامه‌ی بحثمان می‌آوریم.

مصائب دنیوی معصومین علیهم‌السلام: اسباب ترفیع مقام

البته این‌گونه بلاها که به عنوان کیفر گناهان، پیش می‌آید، مخصوص ماست. ائمه علیهم‌السلام فرموده‌اند که آیه‌ی «مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ» در مورد ایشان نیست. چون این بزرگواران گناهی ندارند.^۱ مصیبت‌هایی که به اهل بیت علیهم‌السلام وارد می‌شود، به خاطر گناهی نیست. بلکه برای ایشان مایه‌ی اجر و ترفیع درجه و مقام است. در روایت دارد که رسول اکرم به سیدالشهداء علیه‌السلام فرمودند: «تو در بهشت درجاتی داری که جز با شهادت به آن نمی‌رسی».^۲ پس اهل بیت علیهم‌السلام مخاطب آیه‌ی سوام سوره‌ی شوری نیستند، بلکه ما هستیم. مصیبت‌های ما به خاطر گناه است و اگر در دنیا بتوانیم خود را از گناهان و غفلت‌ها حفظ کنیم، از آن‌ها نجات پیدا کرده‌ایم.

۱. به‌عنوان نمونه بنگرید به: تفسیرالقمی / ۲ / ۲۷۷ و الکافی / ۲ / ۴۴۹ و ۴۵۰.

۲. الامالی (صدوق) / ۱۵۲.



گناهان نابخشودنی

فقره‌ی نخست روایت شریف امیدوارکننده بود، ولی بخش دوم این‌گونه نیست. چون به گناهانی می‌پردازد که خدا آن‌ها را نمی‌آمرزد. امیرالمؤمنین علیه السلام در ادامه‌ی خطبه‌ی خود چنین می‌فرماید:

أَمَّا الذَّنْبُ الَّذِي لَا يُغْفَرُ فَظَلْمُ الْعِبَادِ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ^۱

اما گناهی که خداوند نمی‌بخشد، ستم بعضی از بندگان نسبت به برخی دیگر است.

«ظلم بندگان به یکدیگر» دامنه‌ای بسیار وسیع دارد که همان رعایت نکردن «حق الناس» است. متأسفانه گاهی از رعایت حق الناس فقط به این حد بسنده کرده‌ایم که از گچ کنار تخته سیاه مدرسه، استفاده‌ی شخصی نکنیم. در حالی که حق الناس فقط این نیست و خیلی مهم‌تر و وسیع‌تر از این است. ضایع کردن حق الناس باعث عمده‌ی مصیبت‌های انسان است.

شایستگی ترس از گناه

بدترین گناه این است که انسان خودش را گناهکار نداند و یا گناه خود را کوچک شمارد.^۲ این از همه‌ی گناهان سنگین‌تر است. گاهی انسان گنااهش را به نحوی برای خود توجیه می‌کند که گویی اتفاق خاصی نیفتاده است. می‌گوید: «کسی را که نکشتم ام. شراب که نخورده‌ام و...» غافل از آن‌که چه بسا خدای متعال شراب‌خوار را

۱. الکافی / ۲ / ۴۴۳.

۲. بحارالانوار / ۷۰ / ۳۶۴ به نقل از نهج البلاغه.



بخشاید، ولی غیبت کردن یا تهمت زدن مرا نبخشاید.

باید از گناهانمان بترسیم. در روایات اهل بیت علیهم السلام، ما را بسیار نهی کرده‌اند از این که بگوییم: «خوش به حال من اگر گناهی جز این، نداشته باشم!»^۱ دعایی در صحیفه‌ی سجّادیه هست که انسان را متعجب می‌کند. وقتی امام سجّاد علیه السلام در پیشگاه خدای متعال این طور دعا می‌کنند، ما باید چه کنیم؟

دعای شانزدهم صحیفه، دعای طلب مغفرت از گناهان است که من فرازهایی از آن را می‌خوانم تا ببینید اگر قرار باشد انسان از خدا آمرزش بخواهد، چگونه باید صحبت کند؟ امام علیه السلام در این دعا چنین عرضه کرده‌اند:

أَنَا ذَا يَا رَبِّ مَطْرُوحٌ بَيْنَ يَدَيْكَ أَنَا الَّذِي أَوْقَرْتِ الْخَطَايَا
ظَهْرَهُ وَ أَنَا الَّذِي أَفْتَتِ الذُّنُوبُ عُمُرَهُ وَ أَنَا الَّذِي بِجَهْلِهِ
عَصَاكَ وَ لَمْ تَكُنْ أَهْلًا مِنْهُ لِذَلِكَ^۲

پروردگار! من آنم که در پیشگاه تو [بر خاک] افتاده‌ام. من همانم که گناهان، پشتش را سنگین کرده است و من همانم که گناهان عمرش را تباہ کرده است و من همانم که به خاطر جهالتش نافرمانی تو را کرده است، در حالیکه تو از جانب او شایسته‌ی آن [رفتار] نبودی.

در فهم ما نمی‌گنجد که «امام معصوم علیه السلام» بابت چه چیز این گونه می‌نالیدند؟ آن چه مسلم است این است که امام معصوم هرگز مرتکب

۱. الکافی / ۲ / ۲۸۷.

۲. الصحیفه السجّادیه / ۷۸.

گناه یا کوتاهی یا غفلتی که ما بفهمیم، نمی شود. آنچه در امثال این عبارات به خدا عرضه می دارند، مربوط به رابطه‌ی میان خودشان و خداست. چه بسا عمق معرفتی که آنان به خدای متعال دارند و این که خود را در عبادت او مقصّر می بینند، زبانشان را به چنین دعاهایی می گشاید. به هر حال ما باید در خواندن این عبارات، حال خودمان را ببینیم. اگر امام سجّاد علیه السلام این طور صحبت کنند، من باید چه کنم؟ واقعیت این است که انسان گناهان خود را فراموش می کند و اگر ممکن بود تک تک آن‌ها را یادداشت کند، آن قدر وحشتناک می شد که خودش از خودش فرار می کرد.

در قسمتی دیگر امام علیه السلام این گونه عرضه می دارند:

بَلْ أَنَا يَا إِلَهِي أَكْثَرُ ذُنُوبًا وَأَقْبَحُ آثَارًا وَأَشْنَعُ أَفْعَالًا وَأَشَدُّ
فِي الْبَاطِلِ تَهَوُّرًا وَأَضْعَفُ عِنْدَ طَاعَتِكَ تَيْقُظًا وَأَقْلُّ
لِوَعِيدِكَ انْتِبَاهًا وَارْتِقَابًا مِنْ أَنْ أَحْصِيَ لَكَ عُيُوبِي أَوْ أَقْدِرَ
عَلَى ذِكْرِ ذُنُوبِي^۱

بلکه ای معبود من! گناهان من زیادت‌ر و آثارم کریه‌تر و کرده‌هایم زشت‌تر و بی‌باکی‌ام در باطل شدیدتر و بیداری‌ام در اطاعت تو ضعیف‌تر و هشیاری و توجه و مراقبتم نسبت به هشدارهای تو، ناچیزتر از آن است که عیب‌هایم را برای تو بشمارم یا آن که بر یاد آوردن گناهانم توانا باشم.

سپس عرضه می دارند:



يَا إِلَهِي لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَيْنَيَّ وَ انْتَحَبْتُ
 حَتَّى يَنْقَطَعَ صَوْتِي وَ قُمْتُ لَكَ حَتَّى تَتَنَشَّرَ قَدَمَايَ، وَ
 رَكَعْتُ لَكَ حَتَّى يَنْخَلَعَ صُلْبِي، وَ سَجَدْتُ لَكَ حَتَّى تَتَفَقَّأَ
 حَدَقَتَايَ، وَ أَكَلْتُ تُرَابَ الْأَرْضِ طُولَ عُمْرِي، وَ شَرِبْتُ مَاءَ
 الرَّمَادِ آخَرَ دَهْرِي، وَ ذَكَرْتُكَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ حَتَّى يَكِلَّ
 لِسَانِي، ثُمَّ لَمْ أَرْفَعْ طَرْفِي إِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ اسْتِحْيَاءً مِنْكَ
 مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي^۱

خدایا! اگر من در پیشگاه تو بگریم تا مژه‌های چشمانم بریزد و
 سخت مویه کنم تا صدایم قطع شود و [برای توبه] نزد تو بایستم
 تا قدم‌هایم متورم شود و برای تو رکوع کنم تا استخوان‌های
 پشتم از جا درآید و برای تو سجده کنم تا چشمانم از حدقه بیرون
 بزند و همه‌ی عمرم، خاک زمین را بخورم و تا پایان روزگارم، آب
 خاکستر را بنوشم و در تمام این احوال تو را یاد کنم تا زبانم بند
 بیاید و سپس به خاطر خجالت از تو، چشم برهم زدنم به
 افق‌های آسمان نگاه نکنم، به خاطر همه‌ی این کارها استحقاق
 محو یکی از گناهانم را هم پیدا نمی‌کنم.

در احوال حضرت صدّیقه‌ی طاهره علیها السلام نوشته‌اند که ایشان آن قدر
 در محراب عبادت ایستادند که علی‌رغم جوانی، پاهای مبارکشان ورم
 کرده بود.^۲ بسیار عجیب است. یعنی یک گناه این طور امام سجاد علیه السلام را
 بی‌تاب می‌کند؟ پس چرا من را این‌گونه بی‌تاب نمی‌کند؟ آیا تابه‌حال

۱. الضحيفة السجادية / ۷۸.

۲. بحار الأنوار / ۴۳ / ۷۶.

به خاطر یک گناه خواب من مشوش شده است؟ در حالی که اگر مشکل مالی برایم پیش بیاید، روز و شبم به هم می‌ریزد!

باید از گناه بترسیم. این لطف خداست که کسی از گناه بترسد. بی‌اعتقادی و بی‌ایمانی است که گناه انسان را نترساند و مضطرب نکند. اگر خدا را بهتر بشناسم، از کوچک‌ترین لغزش بر خود می‌لرزم و هرگز به خود وعده‌ی بخشایش الهی را نمی‌دهم.

گروه اول از گناهان مطابق فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام معصیت‌هایی هستند که خدا بابت آن‌ها بندگان را عقوبت می‌کند. هرچند این عقوبت در دنیا یا برزخ ممکن است باعث رفع مجازات اخروی شود، ولی باز هم مطلوب نیست. باید به خدا عرضه بداریم: «خدا! ما تحمل عقوبت را نداریم. از ما درگذر!» چه کسی تحمل عقاب خدا را دارد؟ شنیده‌اید که گاهی برخی از انسان‌های صالح، بعد از مرگ به خواب اهل دنیا آمده و گفته‌اند: «بابت کلام یا عملی کوچک گرفتاریم.»؟

مرحوم آقای علامه از قول حاج آقای ضیاء آبادی نقل می‌کرد:

یکی از علمای بزرگ - که بسیار خدمت کرده و عده‌ی زیادی را هدایت کرده بود - از دنیا رفت. پسرش در خواب دید که لب‌های پدرش ورم کرده است و چرک و خون از آن‌ها می‌ریزد.

با تعجب از پدر پرسید: شما که عملتان خوب بود، چرا این‌طور شدید؟ پدر گفت: هر کاری حساب مخصوص خودش را دارد. من به شوخی، مادرت را - که سکینه نام دارد - سکو صدا می‌زدم و او در باطن ناراحت می‌شد. اینک من از این جهت در عذابم. پسر گفت: از خواب بیدار شده و به مادرم گفتم: آیا چنین بوده است؟

گفت: فقط من و پدرت این موضوع را می دانستیم و به هیچ کس نگفته بودم. آری از گفتن این کلمه ناراحت می شدم ولی حالا او را حلال کردم.^۱

لذا بگوییم: «خدا یا! ما که تحمل عقوبت تو را در دنیا نداریم، به طریق اولی در برزخ و قیامت هم نخواهیم داشت. پس به ما لطف کن و به خاطر مقام حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام از ما بگذر!»

ذکر فضائل حضرت فاطمه علیها السلام

وجه تسمیه ی حضرت زهرا علیها السلام

در روایات داریم که از امام صادق علیه السلام در مورد وجه تسمیه ی حضرت فاطمه علیها السلام به «زهراء» سؤال می شود. امام علیه السلام می فرماید: علّت آن است که نور حضرت فاطمه علیها السلام سه بار در روز برای امیرالمؤمنین علیه السلام آشکار می شد. وقت نماز صبح که مردم در بسترهایشان بودند، نور چهره ی آن حضرت می تابید. روشنایی این نور وارد خانه های مردم می شد و همه ی دیوارها سفید می شدند. مردم با تعجب نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می آمدند و علّت را می پرسیدند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن ها را به منزل حضرت فاطمه علیها السلام می فرستادند. مردم به آن جا می رفتند و می دیدند که ایشان در محراب عبادت نشسته و مشغول نمازند و نوری از محراب شریف و صورت درخشانشان پرتو می اندازد.

وقت نماز ظهر، نوری زرد از چهره ی مبارکشان می تابید؛ به گونه ای



که لباس‌ها و رنگ مردم، زرد می‌شد. مردم نزد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌آمدند و از آن چه دیده بودند سؤال می‌کردند. رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باز هم آن‌ها را به منزل حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام می‌فرستادند. وقتی مردم به آن جا می‌رفتند، می‌دیدند که ایشان در محراب ایستاده و نور صورت ایشان بر پدر و شوهر و فرزندان‌شان به زردی می‌درخشد.

هنگام غروب، صورت آن حضرت از شادی و شکر خداوند، نورانی و قرمز رنگ می‌شد. این نور، به خانه‌های مردم وارد می‌شد و دیوارهای شهر را سرخ می‌کرد. مردم، شگفت زده علت را از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جویا می‌شدند، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آنان را به منزل فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام می‌فرستادند. مردم می‌رفتند و می‌دیدند که ایشان نشسته‌اند و تسبیح و تمجید خداوند را می‌گویند و چهره‌ی شریفشان به سرخی می‌درخشد. می‌فهمیدند که آن چه دیده‌اند نور چهره‌ی حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام بوده است.

این نور تا موقع ولادت حضرت سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَام در حضرت صدیقه عَلَيْهَا السَّلَام دیده می‌شد. سپس به چهره‌ی هریک از ما امامان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام تا روز قیامت منتقل گردید.^۱

ان‌شاء الله خدای متعال روزی ما گرداند تا وجود مقدس امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام را زیارت کنیم و نوری که در صورت حضرت صدیقه‌ی طاهره عَلَيْهَا السَّلَام بوده را در وجود مبارک ایشان مشاهده کنیم.

در روایت مشابه دیگری نقل شده است که جابر از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در مورد علت نام‌گذاری مادر بزرگوار ایشان به «زهراء» سؤال می‌کند.

۱. بحار الأنوار / ۴۳ / ۱۱ به نقل از علل الشرایع.



امام علیؑ چنین می فرماید:

لَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَهَا مِنْ نُورٍ عَظَمَتِهِ فَلَمَّا أَشْرَقَتْ
أَضَاءَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ بِنُورِهَا وَغَشِيَتْ أَبْصَارَ
الْمَلَائِكَةِ وَخَرَّتِ الْمَلَائِكَةُ لِلَّهِ سَاجِدِينَ وَقَالُوا إِلَهَنَا وَ
سَيِّدَنَا مَا هَذَا النُّورُ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِمْ هَذَا نُورٌ مِنْ نُورِي وَ
أَسْكَنْتُهُ فِي سَمَائِي خَلَقْتُهُ مِنْ عَظَمَتِي أَخْرَجْتُهُ مِنْ صُلْبِ
نَبِيِّ مِنْ أَنْبِيَائِي أَفْضَلُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَخْرَجَ مِنْ ذَلِكَ
النُّورِ أُمَّةً يَقُومُونَ بِأَمْرِي يَهْدُونَ إِلَيَّ حَقِّي وَ أَجْعَلُهُمْ
خُلَفَائِي فِي أَرْضِي بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِي.^۱

چون خدای عزوجل ایشان را از نور عظمت خویش آفرید؛ پس هنگامی که نور افشانی نمود، آسمان‌ها و زمین به نور ایشان روشن شد و دیدگان ملائک را پوشانید و فرشتگان در پیشگاه خدای متعال به سجده افتادند و گفتند: «ای معبود و سرور ما! این نور چیست؟» پس خداوند به ایشان وحی فرمود: «این نوری از نور من است و آن را در آسمانم جای دادم، آن را از عظمت خود خلق نمودم و از صلب پیامبری از پیامبرانم خارج می‌گردانم؛ پیامبری که بر تمام انبیاء برتری‌اش می‌دهم و از آن نور، امامانی را خارج می‌کنم که امر مرا به پای دارند، به سوی حق من راهنمایی می‌کنند و بعد از پایان [نزول] وحی خود، آنان را جانشینان خویش در زمینم قرار می‌دهم.



ذکر مصیبت حضرت زهرا علیها السلام

خدای عزوجل حضرت زهرا علیها السلام را این گونه از نور آسمان ها و زمین آفرید. اما مردم با این نور که خدا لطف کرده و آن را به دنیا آورد چه کردند؟ روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانم که هم ذکر مصیبت و هم کسب معرفتی از مقامات صدیقه ی طاهره علیها السلام باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«امّا فاطمه، دختر من، برترین زنان عالمیان از اولین تا آخرین است و او پاره ی تن من و نور چشم و میوه ی دل من است و روح من در میان دو پهلویم می باشد. او حوریّه ای است در قالب انسان. هنگامی که در محرابش در مقابل پروردگار خود (جلّ جلاله) می ایستد، نور او برای فرشتگان آسمان، نظیر نور ستارگان برای اهل زمین، می درخشد.

و خداوند به فرشتگان خود می فرماید: «ای ملائک من! به کنیزم فاطمه که بانوی کنیزان من است نظر کنید که چگونه در مقابل من ایستاده است. شانه هایش از ترس من می لرزد و با قلبش به عبادت من روی آورده است. من شما را شاهد می گیرم که شیعیان وی را از آتش، امان دادم.»

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«هرگاه او را می بینم، به یادم می آید که بعد از من با وی چه می کنند. گویا او را می بینم که ذلت داخل خانه اش شده، حرمتش شکسته و حقش غصب شده، از دریافت ارث خود محروم شده و پهلوی او شکسته و چنین وی سقط شده است و فریاد می زند: «یا محمّداه!» ولی کسی پاسخش نمی دهد و فریادرس می طلبد ولی کسی به فریادش نمی رسد.

همواره بعد از من، ناراحت، گرفته و گریان خواهد بود. گاهی یادآور می شود که وحی از خانه اش قطع شده و گاهی فراق مرا به خاطر می آورد. و هنگامی که شب در برش می گیرد به وحشت می افتد، به این خاطر که صدای من را که هنگام تهجدم با قرآن بدان گوش می سپرد، از کف داده است. سپس خویشتن را ذلیل خواهد دید، بعد از آن که در ایام پدرش، عزیز بود. در همین زمان، خداوند - که ذکرش متعالی باد - ملائک را مونس وی قرار می دهد. آن ها او را به همان خطابی ندا می کنند که مریم، دختر عمران را ندا کردند. به وی می گویند: «ای فاطمه! خداوند تو را انتخاب کرده و پاک نموده و تو را بر تمامی زنان عالمیان برگزیده است. ای فاطمه! فرمان بردار پروردگار خویش باش و سجده گزار و بارکوع کنندگان، رکوع نمای.»

سپس بیماری وی آغاز می گردد و مریض می شود. آن گاه خداوند عزّوجلّ، مریم، دختر عمران را به سوی وی می فرستد تا پرستار و مونس وی در بیماری اش باشد. در همین حال است که عرضه می دارد: «پروردگارم! من از زندگی، خسته و از اهل دنیا ملول شده ام، پس مرا به پدرم ملحق نما!» و خدای عزّوجلّ او را به من ملحق می نماید. پس او نخستین کسی است که از خاندانم به من ملحق می شود. در حالی که ناراحت، گرفته و غمزه است، [با حقّ] غضب شده و [در حالی که او را] کشته [اند] بر من وارد می شود. من در آن هنگام می گویم: «بار خدایا! هرکسی را که به وی ظلم کرده لعنت کن! آن کسی را که غضب [حقّ] نموده، عقوبت کن! آن کسی را که به ذلّتش کشانده، خوار فرما! و آن کس را که به دو پهلوئی وی زد تا فرزند خود را سقط نمود، در دوزخ

خود، جاودانه کن! آن هنگام ملائک می گویند: «آمین!».^۱
 خدای متعال نزد ملائک به عبادتی که حضرت صدیقه علیها السلام انجام
 می داده، مباحثات می کند. به لرزش بدن فاطمه علیها السلام که با همه ی قلبش به
 عبادت روی آورده، می نازد و ملائک را شاهد می گیرد که شیعیان
 ایشان را از آتش در امان می دارد.

ما در کارنامه ی خود، عملی نداریم که به آن امیدوار باشیم ولی در
 قلب خود، محبت حضرت زهرا علیها السلام را داریم. صدیقه ی طاهره علیها السلام ،
 با همین حالی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ترسیم کردند به شهادت رسیدند. در
 همین حال و بلکه فجیع تر از آن، سیدالشهداء علیه السلام به شهادت رسیدند.
 ایشان هم مغموم و محزون بودند و علاوه بر این ها تشنه لب و غریب
 نیز بودند.

خدایا! به مظلومیت فاطمه ی زهرا علیها السلام و لب تشنه ی
 سیدالشهداء علیه السلام ، ظهور منتقم آل محمد علیه السلام را نزدیک بفرما!

۱. بحار الأنوار / ۴۳ / ۱۷۳ به نقل از الأمالی (صدوق)